

دانشنامه زبان و ادب فارسی

ذیل دوم

آذریزدی، مهدی - یونسی، ابراهیم

به سرپرستی

مسعود جعفری جزی

تهران ۱۴۰۴

دانشنامه زبان و ادب فارسی

جلد هشتم (ذیل ۲)

چاپ اول: ۱۴۰۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

حروف نگاری و صفحه آرایی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

چاپ و صحافی: هدف

مدیر فنی چاپ: حمیدرضا دمیرچی

همه حقوق برای فرهنگستان زبان و ادب فارسی محفوظ است

ناشر: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تهران، بزرگراه شهید حقانی، مجموعه فرهنگستان‌ها، بلوار دکتر حسن حبیبی، تلفن: ۸۸۶۴۲۳۳۹-۶۸

کدپستی: ۱۵۳۸۶۳۳۱۱۰؛ صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵

قیمت: ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال

سرشناسه	سعدت، اسماعیل، ۱۳۰۴-۱۳۹۹.
عنوان و نام پدیدآور	دانشنامه زبان و ادب فارسی / به سرپرستی اسماعیل سعدت.
مشخصات نشر	تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴.
مشخصات ظاهری	ج: ۲۸×۲۲ س م.
فروست	فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱.
شابک	دوره: ۹۶۴-۷۵۳۱-۲۶-۵؛ ج: ۱: ۹۶۴-۷۵۳۱-۴۰-۰؛ ج: ۲: ۹۶۴-۷۵۳۱-۶۲-۱؛ ج: ۳: ۹۶۴-۷۵۳۱-۹۰-۰؛ ج: ۴: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۳-۲۱-۷؛ ج: ۵: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۳۱-۹۰-۰؛ ج: ۶: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۳-۸۳-۵؛ ج: ۷: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۳۵-۲۳-۶؛ ج: ۸: ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۰۵-۷۲-۴.
وضعیت فهرست‌نویسی	فایا
یادداشت	جلد هشتم به سرپرستی مسعود جعفری جزی.
یادداشت	ص.ع. به انگلیسی: Esma'il Sa'adat. Encyclopaedia of Persian language and literature
یادداشت	ج: ۲ (چاپ اول: ۱۳۸۶).
یادداشت	ج: ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۸).
یادداشت	ج: ۴ (چاپ اول: ۱۳۹۱).
یادداشت	ج: ۵ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیبا).
یادداشت	ج: ۶ (چاپ اول: ۱۳۹۵) (فیبا).
یادداشت	ج: ۷ (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فیبا).
یادداشت	ج: ۸ (چاپ اول: ۱۴۰۴) (فیبا).
مندرجات	ج: ۱. آب - برزویه. ج: ۲. برندق خجندی - حیرتی تونی. ج: ۳. خارزنجی - سنایی غزنوی. ج: ۴. سندبادنامه - فردوسی. ج: ۵. فردوسی ثانی - مسرور طالقانی. ج: ۶. مسعود، محمد - یونس. ج: ۷. ذیل: آتشی، منوچهر - یونکر، هاینریش. ج: ۸. ذیل: آذریزدی، مهدی - یونسی، ابراهیم.
موضوع	ادبیات فارسی - دایرةالمعارفها.
موضوع	دایرةالمعارفها و واژه‌نامه‌ها.
شناسه افزوده	فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۴ د ۷ س / PIR ۳۳۲۱
رده‌بندی دیویی	۸۰۳ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	۸۴-۱۶۶۸۱ م

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۰۵-۷۲-۴ (ج ۸. ذیل ۲) ISBN 978-622-5305-72-4 (vol.8 Supplement II)

ISBN 964-7531-26-5 (set)

شابک ۹۶۴-۷۵۳۱-۲۶-۵ (دوره)

ت، ث

تاج القصاص از کهن‌ترین و مفصل‌ترین کتابها درباره داستانهای پیامبران (قصص الانبیاء) به زبان فارسی، تألیف ابونصر احمد بن محمد بن احمد بن نصر ارفنجی (یا ارفجینی) بخاری در ۴۷۵ ق. شالوده کتاب زاده طبع استاد ابونصر بخاری، ابوالقاسم محمود بن حسن جیهانی، است. نخستین داستان کتاب قصه یوسف* (ع) بوده است، زیرا بر اساس آنچه در آغاز این قصه آمده، شاگردان جیهانی از او «درخواستند تا ایشان را در قصه یوسف تصنیفی» سازد، او نیز اجابت کرد و سوره یوسف را به چهل مجلس تقسیم و «هر مجلسی را بر آیتی بنا» کرد و پس از شرح مختصری درباره «لغت و اعراب» آیه، به «پند و حکمت» پرداخت. سپس آن را تفسیر کرد و در خلال آن، «نکته و اشارات» و «حقایق و دقایق» و «سخنان اهل معرفت» را بیان کرد و آن را «انس المریدین (یا انیس المریدین) و روضة المحبین» نام نهاد. او تصریح می‌کند که در «تخفیف و تیسیر» مطالب کوشیده و از آوردن «سخنان غوامض» و «تثقیل و تطویل» مباحث احتراز کرده است (بخاری، ج ۲، ص ۴۵۵). ابونصر بخاری نسخه‌ای از تقریرات جیهانی را در باب قصه یوسف در بلخ نوشت و برای کسب اجازه از استاد به ترمذ رفت. پس از بازگشت به بلخ، نسخه را با یکی از شاگردان جیهانی، به نام ابومحمد گرگانجی، مقابله کرد و مشکلات آن را، به «قدر وسع»، گشود و آنچه را به نظرش دشوار بود، کوتاه کرد. او صورت واضح آیاتی را که جیهانی نیاورده بود، به متن افزود. همچنین متن قصه یوسف را «مطول‌تر و مشبع‌تر» نوشت و برخی از «لطایف و ظرایف» را از نسخه تکملة اللطایف و نزهة الطرایف برگزید و به متن افزود (نک: همان، ج ۲، ص ۴۵۶). به این

ترتیب، بخاری با تصرفاتی در اثر استاد خود، آن را تکمیل کرد و در شمار یکی از بخشهای کتابش، تاج القصاص، گنجانده؛ سپس به تألیف بخشهای دیگر کتاب پرداخت.

از ابونصر بخاری و ابوالقاسم جیهانی، جز آنچه در این کتاب آمده است، هیچ اطلاعی در دست نیست. هر دو از دانشمندان شمال خراسان و ماوراءالنهر بوده‌اند که بیشتر عمر خود را در سده پنجم سپری کرده‌اند. به نظر قزوینی (ج ۲، ص ۲۰۳-۲۰۴)، جیهانی، به‌رغم همنامی با خاندان مشهور جیهانی، ارتباطی با آن دودمان ندارد. همچنین در کتاب (نک: بخاری، ج ۲، ص ۹۰۱) از شنیدن روایتی از اسماعیل ترمذی در بلخ و سفر اسماعیل بخاری، ملقب به مستملی، صاحب کتاب تعریف، یاد شده است (همان، ج ۲، ص ۸۵۶)، اما معلوم نیست که این دو با جیهانی ارتباط داشته‌اند یا با بخاری (نک: آل داوود، «مقدمه»، ص ۲۲). افزون بر این، هر دو بر مذهب اهل تسنن بوده‌اند و البته به خاندان پیامبر (ص) و فرزندان امام علی (ع) علاقه داشته و از آنان با احترام یاد کرده‌اند. از آنجا که در متن کتاب نام بسیاری از بزرگان، به‌صراحت، ذکر نشده و از آنان با عناوینی چون «الامام الزاهد» و «الامام الاستاد» مطالبی نقل شده است، احتمال داده‌اند که بخاری و جیهانی از علمای کرامیه یا دست‌کم از هواداران آنان بوده‌اند (همان، ص ۲۳).

تاج القصاص به سه مجلد تقسیم شده است. جلد نخست شامل ۵۴ فصل است که نیمی از آن (۲۷ فصل) به قصه آدم* (ع) اختصاص یافته است. فصلهای بیست و هشتم، بیست و نهم و سی‌ام، به ترتیب دربرگیرنده قصه شیث (ع)، هاروت و ماروت و ادریس* (ع) است. داستان نوح* (ع) در فصلهای سی و یکم تا

شهاب، محمد بن اسحاق، انس بن مالک، کعب احبار، حسن بصری و دیگران مطالبی را نقل می‌کند. گاه نیز به سخنان پیامبر (ص) و امام علی (ع) استناد می‌کند. بنابراین، در جای جای کتاب مباحث تفسیری مبتنی بر روایات مختلف، مباحث لغوی و نحوی، اختلاف قرائات و غیره نیز آمده است. افزون بر این، مؤلف ذیل عناوینی چون «نظیره»، «دلیله»، «مثاله»، «اشاره» یا «اشارات»، «لطیفه»، «حکمت»، «تنبيه»، «نکته» و امثال آن، انبوهی از نکات اخلاقی، حکمی، دقایق و اشارات عرفانی را آورده است. همچنین، در خلال تفسیر، مطالب بسیاری از فرهنگ عامه، شامل باورهای عامیانه و اعتقادات خرافی و نیمه خرافی گنجانده است که، از سویی، نفوذ اسرائیلیات را در روایت داستانهای پیامبران نشان می‌دهد و، از سوی دیگر، نموداری است از رواج داده‌های عامیانه در میان مردم و شماری از نویسندگان و مفسران آن روزگار. مؤلف گاه از شیوه پرسش و پاسخ نیز در بیان مطالب استفاده کرده است. او گهگاه اشعار فارسی و عربی را نیز در لابه‌لای مباحث خود آورده که سراینده اغلب آنها ناشناخته است. در بیشتر اشعار فارسی نهایت سادگی و نشانه‌های دوران نخست سرایش شعر فارسی مشهود است (نک: همان، ص ۳۶)؛ از این رو، این اثر منبع مهمی در بررسی و شناخت دوره نخست شعر فارسی به‌شمار می‌آید.

اسلوب نگارش کتاب نمودار شیوه نثرنویسی عصر سامانی و اوایل عهد غزنوی است (نک: کیوانی، ص ۱۰۷) و، همانند دیگر متون تفسیری کهن فارسی، نثری شیوا، روان و ساده دارد. جملات اغلب کوتاه است و تکرار فعل به فراوانی دیده می‌شود. التزام مؤلف به قرآن و حدیث سبب بسامد بالای عبارات عربی در کتاب شده است، تا آنجا که در برخی از جملات، عبارات فارسی با ترکیبات عربی درهم آمیخته و صورت ملمع یافته است؛ بدون در نظر گرفتن عبارات و بخشهای عربی کتاب، آنچه از متن می‌ماند نثری ساده و مرسل دارد و از مفردات و ترکیبات دشوار و نامأنوس عربی خالی است (نک: آل داوود، همان، ص ۳۰؛ کیوانی، ص ۱۰۶). از ویژگیهای نثر کتاب، علاقه و اصرار مؤلف به سجع پردازی است که گاه به تکلف و تصنع کشیده است. همچنین کاربرد متنوع پسوند «کاف» با معانی مختلف از دیگر اختصاصات نثر کتاب است (نویدی ملاطی، ص ۲۴).

از مزایای عمده تاج القصص احتمال آن بر مفردات و ترکیبات کهن فارسی و نیز برخی از واژه‌های گونه زبانی ماوراءالنهری و گویشهای مختلف منطقه خراسان، به‌ویژه شمال آن، است که از نظر زبان‌شناسی تاریخی اهمیت فراوانی دارد. شماری از این واژه‌ها و ترکیبات عبارت‌اند از: «باج‌بان: گمرک‌چی»، «باجگاه: گمرک»، «بازیگاه: محل بازی»،

سی و پنجم روایت شده و در فصلهای سی و ششم تا چهل و یکم، به ترتیب، قصه عوج بن عنق، هود (ع)، صالح (ع) و شعیب (ع) آمده است. در فصلهای چهل و دوم تا پنجاه و سوم، حوادث مربوط به زندگی ابراهیم* (ع) گزارش شده است و در خلال آن و در فصلهای چهل و هشتم، پنجاه و یکم و پنجاه و دوم، به ترتیب، قصه ذبح اسماعیل* (ع)، قصه لوط (ع) و قصه نمرود آمده است. جلد اول با داستان یعقوب (ع) پایان می‌یابد.

مجلد دوم، که به داستان زندگی یوسف (ع) اختصاص یافته و در چهل مجلس تنظیم شده است، عنوانی جداگانه دارد و «انس المریدین (انيس المریدین) و روضة المحبتين» نامیده شده است. این مجلد را، که پیش از جلد نخست تألیف شده و سپس در متن اصلی کتاب جای گرفته است، باید حاصل تحریر مجالس جیهانی به دست بخاری، همراه با افزوده‌ها و تصرفات او، دانست. عنوان مستقل این مجلد سبب شده است که، در برخی از فهرستها، نگارش کتابی به نام «انس المریدین (انيس المریدین) و روضة المحبتين» به بخاری ارفنجی (یا ارفجینی) نسبت داده شود (نک: استوری، ج ۱، ص ۱۰۹؛ مولوی عبدالمقترخان بهادر، ج ۱۴، ص ۱؛ منزوی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، ج ۱، ص ۵-۶)؛ حال آنکه، این مجلد تفسیر سوره یوسف و قصه آن حضرت و بخشی از کتاب تاج القصص است.

جلد سوم شامل داستان موسی* (ع)، ایوب (ع)، یونس* (ع)، جالوت، داوود* (ع)، سلیمان* (ع)، لقمان*، اسکندر و حضرت محمد* (ص) است؛ در ادامه، شرح معجزات پیامبر اسلام و دیگر پیامبران آمده است. در بخشهای بعدی کتاب، رویدادهای تاریخی صدر اسلام و اخبار خلفا تا شهادت امام علی (ع) و در برخی از نسخه‌ها تا شهادت امام حسین (ع) روایت شده است (نک: مجیدی، ج ۱۱، ص ۴۶۹).

اگرچه عنوان کتاب بر روایت قصه‌های پیامبران دلالت دارد، کتاب در اصل تفسیر آیاتی از قرآن است که به داستان پیامبران مرتبط است. روش مؤلف چنین است که سخن خود را با آیه‌ای از قرآن آغاز می‌کند؛ سپس، به تفسیر آن می‌پردازد و، در ادامه، قصه مرتبط با آن را می‌آورد. این شیوه در مجلد دوم اندکی متمایز است؛ بدین صورت که در آغاز هر مجلس، نخست یک آیه از سوره یوسف را می‌آورد؛ سپس، عدد کلمات و حروف و موقعیت آن آیه و گاه فضیلت آن را بیان می‌کند و در ادامه، به ترجمه و تفسیر آیه می‌پردازد (نک: آل داوود، همان، ص ۱۸). مؤلف، به روال عموم مفسران، اغلب از محدثان، راویان و مفسران پیش از خود، همچون وهب بن منبه، ابن جریر، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، قتاده، محمد بن

از تاج القصص نسخ متعددی، به ویژه در پاکستان و هند، برجا مانده است (نک: آل داوود، «مقدمه»، ص ۳۹-۴۸). برخی از آنها با یکدیگر تفاوت‌های عمده‌ای دارند، تا آنجا که تعدادی از آنها را تحریرهای دیگری از کتاب به‌شمار آورده‌اند (همان، ص ۴۱). این واقعیت، از سویی، نشان‌دهنده توجه و رغبت مردم در زمانهای مختلف به این کتاب است و، از سوی دیگر، از تصرفات و کوشش آنان در تغییر متن کتاب، به‌ویژه نثر آن، مطابق پسند و ذوق زمانه، حکایت دارد. کهن‌ترین و بهترین دست‌نویس این اثر، که به خط نسخ است و از آغاز و انجام افتادگی دارد و تنها از ابتدای داستان آدم تا اواخر مجلس ۳۶ از قصه یوسف را شامل می‌شود در کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان*، به شماره ۴۰۴۰، نگهداری می‌شود (نک: همان، ص ۵۰). این نسخه تاریخ کتابت ندارد، با این‌همه، منزوی (نک: فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه گنج‌بخش، ج ۱، ص ۹) آن را متعلق به سده نهم ق دانسته است، اما آل داوود (همان، ص ۳۹) بر آن است که قدمت بیشتری دارد و احتمالاً در سده هفتم کتابت شده است. او این دست‌نویس را «نسخه‌ای اصیل و ارزشمند» و «تنها نسخه بازمانده از تحریر نخستین کتاب» ارزیابی کرده است (نک: آل داوود، «تاج القصص»، کهن‌ترین داستان پیامبران به زبان پارسی»، ص ۱۸). دیگر دست‌نویسهای این اثر که تعداد آنها نزدیک به بیست نسخه است (نک: همو، «مقدمه»، ص ۳۹-۴۸)، از حیث زبان کهن فارسی و سبک نوشتاری با نسخه یادشده تفاوت‌های جدی دارند و تحریرهای جدید کتاب به‌شمار می‌آیند.

تاج القصص، بر اساس نسخه شماره ۴۰۴۰ کتابخانه گنج‌بخش و با مقابله موردی با چهار نسخه دیگر، به کوشش سیدعلی آل داوود، تصحیح شده و در سال ۱۳۸۶ش، به همت انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به چاپ رسیده است. از آنجا که نسخه اساس تنها مجلدات اول و دوم کتاب را در برداشته، مصحح از تصحیح جلد سوم صرف‌نظر کرده و تصحیح و انتشار آن را به یافتن نسخه‌ای اصیل و درخور اعتماد، که هم‌طراز نسخه اساسی بخشهای اول و دوم باشد، موکول کرده است. منابع: آل داوود، سیدعلی، «تاج القصص»، کهن‌ترین داستان پیامبران به زبان پارسی»، نشریه تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، دفتر ۱۳، تهران، مهر ۱۳۶۷ش؛ همو، «کهن‌ترین داستان پیامبران به زبان پارسی»، نامه فرهنگستان، س ۸، ش ۳ (پیاپی ۳۱)، تهران، پاییز ۱۳۸۵ش؛ همو، «مقدمه»، نک: بخاری، استوری، چارلز، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یحیی آری‌پور و دیگران، به کوشش احمد منزوی، تهران، ۱۳۶۲ش؛ بخاری، یونس احمدین محمد، تاج القصص، به کوشش سیدعلی آل داوود، تهران، ۱۳۸۶ش؛ دزفولیان، کاظم و غلامرضا رفیعی، «ناگفته‌هایی از قصص الانبیای

بر سری: اضافه»، «پذیرفتار: ضامن»، «خرنده: خریدار»، «دوشان: شیرده»، «دشمنادگی»، «آبدان»، «آفتاب پرستک: آفتابگردان»، «سپس‌رو: متابع»، «شمارنامه: نامه اعمال»، «خیره‌نگر: هیز»، «کراشیدگی: آشفتگی، پریشانی، تباهی»، «گردان گردان: گردش‌کنان»، «میان جست کردن: وسط پریدن» و «دست زیر آمدن: مغلوب شدن». افزون بر این، برخی از ویژگیهای زبانی همچون ابدال*، تخفیف، اشباع، ابقا و حذف* در کتاب دیده می‌شود که برای نمونه می‌توان به «استاخی: گستاخی»، «سرقرین: سرگین»، «بزان: وزان»، «اندهگن: اندوهگین»، «اومید: امید»، «دوانزده: دوازده»، «استون: ستون»، «اشتاپ: شتاب»، «نگوسار: نگونسار»، «شباروز: شبانروز»، «گسی: گسیل»، «جشنگی: تشنگی»، «گنجدشک: گنجشک» و «مکافا: مکافات» اشاره کرد.

به جز تکملة اللطایف و نزهة الطرایف، که مؤلف در آغاز مجلد دوم (نک: بخاری، ج ۲، ص ۴۵۶) به آن اشاره کرده است، در خلال مباحث نیز از آثار چون تورات، واضح از بوزجانی، شرف النبوة، صحاح و قصص مهاجری نام برده و نقل قولهایی از آنها آورده است. بنابراین، آنها را نیز باید در زمره منابع مؤلف به‌شمار آورد.

در برخی از آثار قدما و نیز شماری از فهارس معاصر، کتاب تاج القصص و نام مؤلف آن با آثار مشابه و مؤلفان دیگری درهم آمیخته است و تفکیک دقیق آنها منوط به بررسی نسخ خطی هریک از آن آثار و مقایسه آنها با یکدیگر است (نک: آل داوود، همان، ص ۲۵؛ همو، «کهن‌ترین داستان پیامبران به زبان فارسی»، ص ۲۳-۲۵؛ برای نمونه، منزوی (فهرستواره کتابهای فارسی، ج ۳، ص ۱۵۶۶) بخارایی ارفنجی را با احمدبن محمدبن منصور ارفنجی، که نام او در ادبیات فارسی استوری (ج ۲، ص ۷۲۱-۷۲۲) آمده، یکی شمرده و قصص الانبیایی را که بلوشه (ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۴) به این شخص نسبت داده، همان تاج القصص دانسته است. بنابراین، نمی‌توان از تأثیرپذیری و تأثیرگذاری تاج القصص با اطمینان سخن گفت. با این‌همه، نفیسی (ج ۲، ص ۷۱۸) بر آن است که سراینده مثنوی یوسف و زلیخا* که، به اشتباه، به فردوسی* نسبت یافته، بخش اعظم داستان خود را از تاج القصص برگرفته است. همچنین بدری کشمیری*، شاعر سده دهم ق، در مثنوی صدوینجاه هزار بیتی خود با نام رسل‌نامه، مطالب تعدادی از کتابهای معروف تاریخی، از جمله تاج القصص را به نظم کشیده است (نک: صفا، ج ۲/۵، ص ۷۱۵-۷۱۶). برخی بر این باورند که قصص الانبیای دیدوزمی، بازنویسی و برداشتی آزاد از کتاب تاج القصص است (نک: دزفولیان و رفیعی، ص ۱-۱۴).

از مخاطب نفی می‌کند و، در پی آن، «دوام جور» را، که مفاد ذمی دارد، بر آن می‌افزاید، و بدین نحو «بی‌وفایی» و «دوام جور» را به محبوب خود نسبت می‌دهد. «آوردن واژه‌هایی مانند گرچه، 'وفا'، 'شکر'، 'دوام'، 'مویه مدح است» (شمیسا، همان‌جا). منابع این قسم را، از نظر تأکید، برتر از قسم دوم دانسته‌اند (نک: خطیب قزوینی، همان‌جا؛ تفتازانی، همان‌جا؛ تهانوی، ج ۱، ص ۳۷۴؛ میرفندرسکی، ص ۱۱۸).

قسم دوم آن است که نویسنده صفتی ناپسند را به کسی یا چیزی نسبت دهد و سپس صفت مذموم دیگری، بعد از ادات استثنا و استدراک، بر آن بیفزاید؛ مانند اینکه کسی بگوید: «فلان فاسق است، الا اینکه جاهل است» (نک: شبکی، ج ۲، ص ۲۷۳). مؤلف دقائق الشعر این قطعه را، که مثالی از این صنعت است، در حق خود سروده است:

در مجلدگری مرا هنری است

که کتابی به صد مدد سازم

جز مقوا و نقش و شیرازه

هر چه سازم به دست خود سازم

کار یک‌روزه را ز چستی دست

به نود روز یا به صد سازم

با همه زیرکی و استادی

دیر سازم ولیک بد سازم

(تاج الحلاوی، ص ۵۵)

باید گفت که در تصحیح تنها نسخه موجود دقائق الشعر، در تعاریف «تأکید المدح بما يشبه الذم» و «تأکید الذم بما يشبه المدح»، به اشتباه، جابه‌جایی صورت گرفته است؛ در نتیجه، قطعه مذکور ذیل «تأکید المدح بما يشبه الذم» آمده است (نک: تاج الحلاوی، ص ۵۴-۵۵؛ نیز نک: کاشفی سیزواری، ص ۱۲۵).

رجایی بخارایی از قسم دیگری از این صنعت نام برده است که در آن ابتدا صفت مدحی برای کسی یا چیزی آورند، و سپس چیزی بدان صفت ذم کنند. او ابیاتی را که تقوی (ص ۲۷۶) از عمید دیلمی ذیل این اصطلاح آورده از همین قسم دانسته است: خواجه بفزود ولیکن به وزم

گشت مشغول ولیکن به شکم

میزبان بود ولیکن به رباط

نانم آورد ولیکن به درم

سالها باد ولیکن به سقر

عمرها باد ولیکن به سقم

دولتش باد ولیکن شده گم

نعمتش باد ولیکن شده کم

(نک: رجایی بخارایی، ص ۳۹۰)

گاه ممکن است نویسنده کلمات و اشارات و تلمیحاتی بیاورد که

دیدوژی، متن‌شناسی ادب فارسی، ش ۳۲، اصفهان، زمستان ۱۳۹۵؛ صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، ۱۳۷۲؛ قزوینی، محمد، یادداشت‌های قزوینی، به‌کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۶۳؛ کیوانی، مجدالدین، «تاج‌القصص، آمیخته‌ای از قصه، تفسیر و حکمت»، نامه فرهنگستان، س ۱۱، ش ۱ (پیاپی ۴۱)، تهران، بهار ۱۳۸۹؛ مجیدی، مریم، «بخاری ارفنجی»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۸۱؛ منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، لاهور، ۱۳۵۷؛ هو، فهرستواره کتابهای فارسی، تهران، ۱۳۷۶؛ نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، ۱۳۴۴؛ نویدی ملاطی، علی، «بررسی کتاب»، گزارش میراث، س ۳، ش ۲۵ و ۲۶، تهران، مهر-آبان ۱۳۸۷؛

Bloch, E., *Catalogue des Manuscrits Persans de la Bibliothèque Nationale*, Paris, 1905; Maulavi Abdul Muqtadir Khan Bahadur, *Catalogue of the Arabic and Persian Manuscripts in the Oriental Public Library at Bankipore*, vol. XIV, Panta, 1928.

سلمان ساکت

تأکید الذم بما يشبه المدح. (یا ذم شبهه مدح)

صنایع معنوی در علم بدیع*، به معنی انتقال ذم به ذمی دیگر. در اصطلاح علم بدیع کلامی است که «در اثنای مذمت کسی، عبارتی بیاورند که شنونده پندارد [که] ذکر محامد است و پس از آن مذمت دیگر بگویند» (همایی، ص ۳۰۶). در واقع، می‌توان گفت: «معنی کلام ذم است، اما چون از حروف استثنا و [گاه] کلمات مدحی استفاده شده است، به نظر می‌رسد که شاید مقصود مدح* باشد» (شمیسا، ص ۱۵۷؛ نیز نک: خطیب قزوینی، ص ۳۸۲؛ تفتازانی، ص ۶۷۶؛ هاشمی، ص ۳۱۴؛ عکاو، ص ۲۷۵؛ شبکی، ج ۲، ص ۲۷۲-۲۷۳). ابن ابی‌الاصبع، که نخستین کسی است که از این صنعت یاد کرده است، آن را، با آنکه مقابل صنعت «تأکید المدح بما يشبه الذم*» است، ذیل «باب الهجاء فی معرض المدح» آورده است. پس از او، منابع عنوان «تأکید الذم بما يشبه المدح» را برای این صنعت برگزیدند (نک: ابن ابی‌الاصبع، ج ۲، ص ۵۵۰؛ نیز نک: ابن حجة حموی، ص ۱۴۶؛ ابن‌ناظم، ص ۲۴۱؛ مدنی، ج ۳، ص ۶۰).

این صنعت را بر دو قسم دانسته‌اند: قسم اول آن است که صفت مدحی را از کسی یا چیزی نفی کنند و، در پی آن، صفت ذمی را از آن استثنا کنند، مانند

تو به هنگام وفا گر چه ثباتیت نبود

می‌کنم شکر که بر جور دوامی داری

(منسوب به حافظ)

در این بیت شاعر ابتدا وفاداری را، که از صفات پسندیده است،